

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال سیزدهم، شماره چهارم، پاییز ۱۳۹۶

تاریخ دریافت: ۱۳/۰۴/۱۳۹۶

تاریخ تصویب: ۰۶/۰۸/۱۳۹۶

صفحات: ۴۹-۶۹

بررسی مشارکت سیاسی زنان در فرایند شکل‌گیری، تثبیت و تداوم انقلاب اسلامی ایران

قادر زارع مهدوی

دکترای علوم سیاسی و عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انتظامی

محمود نقدی پور*

دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

مصطفی نجفی

کارشناس ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

هدف از این مقاله بررسی مشارکت سیاسی-اجتماعی زنان در فرایند شکل‌گیری و تداوم انقلاب اسلامی ایران است. در واقع، تلاش می‌شود نقش زنان در وقوع انقلاب اسلامی ایران و همچنین در سیر تداوم انقلاب را مورد بررسی قرار دهیم. سؤالی که مطرح می‌شود این است که زنان به چه صورتی در شکل‌گیری و تداوم انقلاب اسلامی نقش داشته‌اند؟ در پاسخ باید گفت نقش و مشارکت زنان در شکل‌گیری و تداوم انقلاب به سه شکل مشارکت بسیج‌وار، مشارکت سنتی و مشارکت مدرن بوده است. مشارکت بسیج‌وار و مشارکت سنتی را می‌توانیم در شکل‌گیری انقلاب و در دورانی مثل دفاع مقدس مشاهده کنیم و مشارکت مدرن را می‌توانیم بعد از دفاع مقدس و ورود زنان به عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور مشاهده نماییم.

کلیدواژه‌ها: انقلاب اسلامی ایران، زنان، انقلاب اسلامی، مشارکت سنتی، مشارکت مدرن.

مقدمه:

زنان به عنوان نیمی از انسان‌های این کره خاکی نقش بسیار کلیدی در جنبش‌ها، نهضت‌ها و انقلاب‌ها داشته‌اند و این ویژگی برخاسته از عمق اثرگذاری زنان در تمامی عرصه‌های زندگی است. نقش‌های مؤثر زنان در تاریخ صدر اسلام نیز بیانگر این موضوع است. انقلاب اسلامی ایران نیز از مهم‌ترین حرکت‌های اجتماعی است که از این قاعده مستثنا نبوده و نقش زنان چه پیش از انقلاب و چه پس‌از آن بسیار حائز اهمیت است. زنان ایرانی در انقلاب اسلامی به روشنی بیان کردند که زن مسلمان ایرانی در تمام عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی حضور داشته و اعتقادات دینی او مانع از شرکت در فعالیت‌های اجتماعی نخواهد شد. آن‌ها ثابت کردند که ضمن دین‌داری و پاک‌دامنی می‌توانند تاریخ‌ساز نیز باشند.

از دیدگاه قرآن زن و مرد از نفس واحد هستند و هر دو از یک جنس آفریده شده‌اند و هرکدام مکمل وجود دیگری هستند. از نگاه دیگر اگرچه حضور زنان در حرکت‌های اجتماعی ایران کم‌رنگ و اغلب در حاشیه بوده است، اما تاریخ کشورمان نیز حضور زنان را در پشت صحنه بسیار بزرگ و قوی می‌شمارد. با این‌همه تأثیر زنان در شکل‌گیری و تداوم انقلاب اسلامی از هر دوره تاریخی بیشتر بوده است. حضور استوار زنان در صحنه‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و مقاومت صبورانه در برابر فشار بر خانواده‌های آنان مصداقی بر این مطلب است. زنان در تمام عرصه‌های انقلاب دوشادوش مردان حرکت کردند و با حمایت خود از مردان در پیروزی و شکل‌گیری انقلاب سهم بسزایی داشتند. بر هیچ‌کس پوشیده نیست که زنان نقش بسیار مهمی در پرورش نهضت اسلامی ایفا کرده و در مواردی نقش سنگین‌تر و مؤثرتری را نسبت به مردان در جریان مبارزه داشتند. نقش زنان نه تنها در پیروزی انقلاب اسلامی ایران قابل‌انکار نیست، بلکه می‌توان ادعا کرد که آنان در همه انقلاب‌های بزرگ نقش اساسی ایفا کرده‌اند.

به طور کلی، انقلاب اسلامی جلوه‌گاه تاریخی مشارکت زنان در عرصه‌های مختلف است. مشارکت سیاسی زنان به عنوان بخش مهمی از مشارکت آنان در روند توسعه جامعه است. در تظاهرات و اعتصابات متعدد انقلاب، در مواقعی زنان نقش بسیار فعال‌تر و بانشاط‌تر و مؤثرتر از مردان داشتند. مبارزه با ظلم، گسترش عدالت، مبارزه با استعمار و استبداد، گسترش آزادی و استقلال و در یک کلمه گسترش فرهنگ خیر در جامعه، مبانی عام مشارکت زنان در عرصه سیاست است. از اعتصابات کارمندان و دانشگاهیان تا اعتصابات کارگری و صنعت نفت، نقش زنان بااهمیت تلقی می‌شود. از تظاهرات خیابانی تا انواع تحصن‌ها برای آزادی زندانیان سیاسی و دستگیرشدگان خیابانی و همافران به اسارت برده شده، حضور و نقش آفرینی زنان در تسخیر لانه جاسوسی توسط دانشجویان پیرو خط امام و بسیاری دیگر از عرصه‌های خطیر و سرنوشت‌ساز انقلاب همه حاکی از

نقش و حضور ارزشمند زنان در پیروزی و تثبیت انقلاب است. در جنگ روانی علیه نیروهای امنیتی، زنان نقش ویژه‌ای داشتند. گذاشتن گل روی تفنگ سربازان، توزیع گل و شیرینی میان صفوف، پذیرایی از سربازان فراری و اسکان داده‌شده در مساجد، حمایت روانی از مردان و فرزندانشان و تشجیع آنان به حضور در عرصه انقلاب، پذیرایی از صفوف تظاهرکنندگان، شرکت در تظاهرات شبانه پشت‌بام‌ها، به دست گرفتن عکس‌شهدا در برابر صفوف نظامیان، پخش اطلاعیه‌ها و ... همه و همه جلوه‌هایی از مشارکت جویانه زنان در انقلاب اسلامی است. اینجاست که امام (ره) فرمود: زنان باید در مقدرات اساسی کشور دخالت کنند.

در همین راستا، با توجه به جایگاه و نقش زنان در فرایند پیروزی و تداوم انقلاب اسلامی، به چگونگی نقش‌آفرینی آن‌ها در مسیر تحولات انقلاب اسلامی می‌پردازیم. سؤالی که مطرح می‌شود این است که زنان به چه صورتی در شکل‌گیری و تداوم انقلاب اسلامی نقش داشته‌اند؟ در پاسخ باید گفت نقش و مشارکت زنان در شکل‌گیری و تداوم انقلاب به سه شکل مشارکت بسیج‌وار، مشارکت سنتی و مشارکت مدرن بوده است. مشارکت بسیج‌وار و مشارکت سنتی را می‌توانیم در شکل‌گیری انقلاب و در دورانی مثل دفاع مقدس مشاهده کنیم و مشارکت مدرن را می‌توانیم بعد از دفاع مقدس و ورود زنان به عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور مشاهده نماییم.

بدین ترتیب، ابتدا مفهوم مشارکت را به‌عنوان چارچوب مفهومی پژوهش موردبررسی قرار می‌دهیم، سپس دیدگاه‌های غربی و اسلامی در باب مشارکت سیاسی زنان را مختصراً توضیح می‌دهیم، در ادامه چگونگی نقش‌آفرینی زنان پیش از انقلاب اسلامی را مورد بررسی قرار می‌دهیم، سپس مشارکت زنان را در چارچوب سه‌الگوی مشارکت بسیج‌وار، مشارکت سنتی و مشارکت مدرن در سیر شکل‌گیری و تداوم انقلاب مورد واکاوی قرار می‌دهیم و در نهایت پیشنهادهایی برای مشارکت سیاسی زنان در ادامه انقلاب ارائه می‌دهیم.

۱- چارچوب مفهومی: مشارکت سیاسی

از قرن شانزدهم میلادی و به دنبال فروپاشی نظام سیاسی کلیسا و ورود نظریه قرارداد اجتماعی به مباحث سیاسی و تأکید متفکران عصر روشنگری بر دخالت مردم در تعیین سرنوشت خود، بحث مشارکت سیاسی و جامعه مدنی وارد ادبیات سیاسی مغرب‌زمین شد و بر پایه آموزه‌های عصر روشنگری و نظریه قرارداد اجتماعی مشارکت سیاسی به معنای درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی با اجتماعی شدن سیاست رابطه‌نزدیکی پیدا کرد (راش، ۱۳۷۷: ۱۲۳).

مشارکت از نظر لغوی به معنای «شرکت داشتن یا درگیر بودن دو جانبه و متقابل افراد برای انجام امری خاص» است (غفاری: ۱۲، ۱۳۸۶). می‌توان گفت مشارکت تعهدی فعالانه، آگاهانه، آزادانه و

بدون تعصب است که در جهت معنا دادن به عمل و حرکت اجتماعی شکل می‌گیرد و با شرکت دادن اشخاص در فعالیت‌های گروهی تحقق می‌یابد (مسعود نیا و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۷۷).

مشارکت از لحاظ مفهومی گستردگی وسیعی دارد. به همین خاطر، در ادبیات توسعه از مشارکت سیاسی تعاریف متعددی ارائه شده است. اگر توسعه سیاسی را به معنی «گسترش مشارکت و رقابت گروه‌های اجتماعی در زندگی سیاسی» در نظر بگیریم (بشیریه، ۱۱: ۱۳۸۸)، بی‌شک یکی از پیش‌نیازهای آن مشارکت سیاسی خواهد بود؛ به این معنی که توسعه سیاسی زمانی تحقق‌پذیر است که درصد جلب مشارکت مردم به‌عنوان سازندگان اصلی حیات سیاسی و اجتماعی باشیم.

در روند تحول در الگوهای زندگی، پدیده «مشارکت سیاسی» به معنای «فرصت‌های پرداختن شمار زیادی از شهروندان به امور سیاسی» (آبرامسون، ۱۳۸۳: ۱۲۴۱) و به‌عنوان نقطه تلاقی ساختار فرهنگی و سیاسی در هر جامعه‌ای است. در حقیقت اندیشه مشارکت سیاسی عبارت است به درگیر شدن توده‌های مردم در فعالیت سیاسی و تعیین سرنوشت خود و تنها از این رهگذر است که زمینه‌های ثبات و پایداری نظام سیاسی تحقق می‌یابد.

از مشارکت سیاسی تعاریف متعددی ارائه شده است؛ مثلاً لوسین پای مشارکت سیاسی را این‌گونه تعریف می‌کند:

هرگونه اقدام داوطلبانه، موفق یا ناموفق، سازمان‌یافته یا بی‌سازمان، مقطعی یا مستمر که برای تأثیرگذاری بر انتخاب سیاست‌های عمومی، اداره امور عمومی یا گزینش رهبران سیاسی در سطوح مختلف حکومتی اعم از محلی و ملی، روش‌های قانونی یا غیرقانونی به کار می‌رود (پای، ۱۳۸۰: ۲۴۰).

نورس نیز مشارکت سیاسی را این‌گونه تعریف می‌کند: «هرگونه عملی که هدف از آن مستقیماً تأثیرگذاری بر نهادها و جریان‌های سیاسی و یا به‌صورت غیرمستقیم تأثیرگذاری بر جامعه مدنی یا تلاش برای تغییر الگوهای رفتار اجتماعی باشد» (نورس: ۱۶، ۲۰۰۱).

مایرون وینر در مقاله معروف خود درباره مشارکت سیاسی، پس از ذکر ۱۰ مورد از تجلیات مشارکت سیاسی، این تعریف را ارائه می‌دهد: «مشارکت سیاسی هر عمل داوطلبانه موفق یا ناموفق، سازمان‌یافته یا بدون سازمان، دوره‌ای یا مستمر، شامل روش‌های مشروع و نامشروع برای تأثیر بر انتخابات رهبران و سیاست‌ها و اداره امور عمومی در هر سطحی از حکومت محلی یا ملی است.» میل برات مشارکت سیاسی را چنین تعریف می‌کند: «مشارکت سیاسی رفتاری است که اثر گذاشته و یا قصد تأثیرگذاری بر نتایج حکومتی را دارد». ساموئل هانتینگتون^۱ و جان نلسون^۲ مشارکت سیاسی را چنین می‌کنند: «مشارکت سیاسی کوشش‌های شهروندان غیردولتی برای تأثیر بر سیاست

^۱. Sumuel Huntington

^۲. Jean Nelson

تعریف‌های عمومی است.»

همچنین در یک تعریف دیگر، مشارکت درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که آنان را برمی‌انگیزد تا برای رسیدن به اهداف گروهی، یکدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند. این تعریف دارای سه جزء است:

۱. درگیر شدن؛ مشارکت به معنای درگیری ذهنی و عاطفی بوده و تنها به کوشش‌های بدنی محدود نمی‌شود.

۲. یاری‌دادن؛ مشارکت دادوستد اجتماعی دوسویه میان مردم است و نه روش قبولاندن اندیشه‌های مسئولان بالادستی.

۳. پذیرش مسئولیت؛ مشارکت اشخاص را برمی‌انگیزد تا در کوشش‌های گروه خود مسئولیت پذیر باشند (اردستانی، ۱۳۹۰: ۲۲).

لستر میلبراث در کتاب مشارکت سیاسی، سلسله‌مراتبی از مشارکت سیاسی را مطرح کرده است؛ از جمله خواندن یا شنیدن اخبار سیاسی و گوش دادن یا شرکت در مباحث سیاسی، شرکت در انتخابات و مبارزات سیاسی، تلاش برای کسب قدرت سیاسی و مناصب حکومتی و تظاهرات و اعتراضات سیاسی. مایکل راش پیرو تعریفی که از مشارکت سیاسی ارائه می‌دهد، پایین‌ترین و بالاترین سطح مشارکت سیاسی را به ترتیب اهمیت شامل موارد زیر می‌داند:

۱. داشتن مقام سیاسی یا اجرایی
۲. جستجوی مقام سیاسی یا اجرایی
۳. عضویت فعال در یک سازمان سیاسی
۴. عضویت فعال در یک سازمان شبه‌نظامی
۵. مشارکت در اجتماعات عمومی
۶. تظاهرات و اعتراض
۷. عضویت انفعالی در یک سازمان سیاسی
۸. عضویت انفعالی در یک سازمان شبه‌نظامی
۹. مشارکت در بحث‌های سیاسی غیررسمی
۱۰. اندکی علاقه به سیاست
۱۱. رأی دادن

۱۲. عدم درگیری در سیاست (مسعود نیا و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۷۸-۵۷۷).

با توجه به حوزه عملیاتی مشارکت، انواع گوناگونی از آن را می‌توان نام برد که به برخی از آن‌ها

اشاره می‌شود.

مشارکت سنتی؛ این نوع مشارکت بر اساس عرف، عادت و مذهب پدید می‌آید و میان افراد جامعه به شکل نهادهای خودجوش وجود دارد.

مشارکت جدید؛ در این نوع مشارکت «محرکی» افراد را به فعالیت وامی‌دارد. این محرک معمولاً از جانب سازمان‌های دولتی برای جلب و افزایش مشارکت شهروندان در امور مختلف در قالب برنامه‌های خاصی وارد می‌شود (علوی تبار، ۱۳۸۲: ۵۱).

مشارکت را بر اساس نوع و کسانی که انتظار مشارکت دارند نیز می‌توان تقسیم‌بندی کرد که شامل سه دسته است:

۱. **مشارکت ابزاری؛** در این نوع مشارکت انسان‌ها وسیله هستند و اغلب ترجیح داده می‌شود که همه مردم بر اساس یک الگو رفتار کنند و تأمین نیروی انسانی مورد نیاز بخش خصوصی بدون توجه به مبانی فرهنگی و جنبه‌های انسانی و صرفاً با دیدی مادی و اقتصادی مورد نظر است.

۲. **مشارکت تحمیل‌شده؛** مشارکتی که برگزیدگان و نخبگان را به مشارکت می‌کشاند. در این نوع مشارکت که گاهی از تکنیک‌های روانی-اجتماعی یا سازوکارهای فرهنگی استفاده می‌شود، هدف لزوماً نیازهای واقعی و انتظارات مشارکت‌کنندگان نیست.

۳. **مشارکت توسعه‌ای؛** این نوع مشارکت فرایندی اجتماعی، یکپارچه، جامع، پویا، همبسته، مکمل، چندبعدی و چند فرهنگی است. به عبارت دیگر، مشارکت توسعه‌ای می‌خواهد که همگان در مراحل توسعه درگیر شوند (اردستانی، ۱۳۹۰: ۲۲-۲۳).

به‌طور کلی، عوامل گوناگونی نیز در نوع و میزان مشارکت سیاسی مردم اثر می‌گذارند؛ از آن جمله سن، طبقه اجتماعی، میزان تحصیلات، گرایش‌های سیاسی، رضایت سیاسی، محل زندگی، نوع شغل، فرهنگ سیاسی، مذهب و عوامل فردی مختلف. به‌علاوه عوامل اجتماعی نیز مانند ساختار نظام سیاسی، وضعیت اقتصادی و سطح توسعه کشور، در میزان مشارکت سیاسی مردم تأثیر می‌گذارند (پناهی، بنی فاطمه، ۱۳۹۴: ۳۷).

۲- زنان و مشارکت سیاسی (دیدگاه غربی و اسلامی)

آنچه مسلم است، از آنجاکه تقریباً نیمی از جمعیت اجتماعات را زنان تشکیل می‌دهند، نیمی از مسؤولیت مشارکت سیاسی و اجتماعی هر جامعه‌ای بر دوش زنان است که ضرورت می‌یابد ضمن ایفای نقش‌های خانوادگی یعنی همسررداری، تربیت فرزندان و خانه‌داری، در جامعه خویش نیز حضوری فعال و مؤثر داشته باشند و در نتیجه از این رهگذر می‌توانند نقش مهمی در رهیافت توسعه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوامع مختلف ایفا نمایند.

در جهان غرب، زنان تا قرن‌ها از حقوق اولیه خود، حتی حق مالکیت و حق دخالت در سرنوشت

سیاسی خود، محروم بودند؛ اما سابقه تاریخی اندیشه مشارکت سیاسی زنان را باید از انقلاب فرانسه به بعد پیگیری کرد. در سال ۱۹۲۱ نویسنده‌ای انگلیسی به نام ماری ولستونگرافت با نوشتن رساله حمایت از حقوق زنان، توجه افکار عمومی را به موقعیت سیاسی زنان جلب کرد. در عصر روشنگری، متفکرانی مانند کندروسه و دیدرو از حقوق زنان سخن می‌گفتند. همچنین در نیمه اول قرن نوزدهم، هواداران سن سیمون و فوریه، دو تن از سوسیالیست‌های اولیه، از حمایت از حقوق زنان دم می‌زدند. در نیمه دوم قرن نوزدهم، تقاضا برای برابری زنان در زندگی اجتماعی و سیاسی به شکل بارزی مطرح شد. در انگلستان، جنبش سیاسی زنان برای کسب حقوق سیاسی در سال ۱۸۵۶ آغاز شد. در ایالات متحده، جان استوارت میل، فیلسوف سیاسی معروف انگلیس، کتابی تحت عنوان اسارت زنان نوشت و مارکسیست‌های اولیه همانند انگلس در کتاب منشأ خانواده و مالکیت خصوصی و دولت و اگوست بیل از زنان حمایت کردند و سعی کردند سلطه مردان را همانند سلطه سرمایه‌داری مردود بدانند (بشیریه، ۱۳۸۸: ۲۸۹).

اما با همه این‌ها، بسیاری از دانشمندان غربی که همزمان با آن‌ها از زنان انتقاد می‌کردند، معتقد بودند که زنان همچنان باید در خانه‌ها باقی بمانند و این طرز تفکر حتی در میان دانشمندان قرون اخیر همانند هگل و ژان ژاک روسو و حتی آرتور شوپنهاور ادامه داشت. هگل می‌گفت: «زنان ممکن است دارای فرهنگ، اندیشه و ذوق باشند، لیکن نمی‌توانند به ایده مطلق دست یابند. تفاوت میان مردان و زنان مثل تفاوت میان حیوانات و نباتات است». ژان ژاک روسو نیز در کتاب امیل می‌گوید: «جست‌وجوی حقایق انتزاعی و عقلی و مبادی اصول علوم و دانش‌ها و هر آن چیزی که نیازمند تعمیم باشد، خارج از حد ادراک زن است. مطالعات زنان باید کلاً عملی باشد. وظیفه آن‌ها اعمال اصولی است که مردان کشف کرده‌اند» (رمضان نرگسی، ۱۳۸۳). همچنین شوپنهاور می‌گفت: «زنان کودک صفت، سبک‌سر و کوتاه‌نظر؛ در یک کلام، در سراسر زندگی، کودکانی بزرگ جثه‌اند - چیزی میان کودک و انسان بالغ، یعنی بین یک کودک و یک مرد تمام و کمال» به زعم وی، زنان هم به لحاظ جسمانی و هم به لحاظ فعالیت‌های روانی فاقد توانایی‌های لازم‌اند. (یاری، ۱۳۸۶: ۵۹).

یک ارزیابی کلی از نظریات این متفکران نشانگر حقیقت انکار و در بعضی مواقع، تنفر آن‌ها از حضور زنان در سیاست است. به نظر متفکران، منطق ناکافی، ویژگی‌ها و توانایی‌های روحی و سیاسی زنان را از اینکه یک شهروند سیاسی کامل باشند، دور نگاه داشته است.

زنان در غرب، از ابتدایی‌ترین حقوق خود بی‌بهره بودند و جنبش فمینیستی واکنشی در برابر این اجحاف بزرگ در حق زنان بود. از این‌رو، در پی دو واقعه تاریخی و انقلابی در غرب، یعنی توسعه سرمایه‌داری صنعتی و دموکراسی نمایندگی، زمینه مناسبی برای زنان ایجاد شد تا با شعار «تساوی همه‌جانبه با مردان» بپا خیزند؛ بنابراین، زنان که باورش‌ان شده بود به لحاظ خلقت پست‌تر از مردان هستند، خواستند خود را از همه جهت همانند مردان سازند تا ننگ زن بودن از دامان آن‌ها پاک شود.

از این رو، تقاضاهای فمینیستی در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری برحسب چهار مورد ذیل ارائه می‌شدند:

- استقلال اقتصادی؛
- دسترسی به قدرت و اقتدار سیاسی؛
- معیار مشابه جنسی برای زن و مرد؛
- پایان کلیشه معیار بندی جنسیتی.

این چهار مورد، اساس خواسته‌های فمینیستی جهان غرب را دربر دارند. ولی ذکر یک نکته ضروری است و آن اینکه این عقیده در غرب نتایج مناسب به بار نیاورد که از جمله؛ ازهم‌گسیختگی خانواده از جلوه‌های آن است (مصفا، ۱۳۷۵: ۷۹).

دیدگاه اسلامی نسبت به فعالیت سیاسی زن، در دو محدوده مختلف، اهتمام می‌ورزد: اول محدوده امت اسلامی که زن به‌عنوان فردی از افراد آن در فعالیت‌های سیاسی‌اش مشارکت دارد و دوم محدوده خانواده که در دیدگاه اسلامی، دارای وظایف خانوادگی است و زن در چارچوب آن مسؤولیت‌های زیادی را ایفا می‌کند. فهم رفتار سیاسی زن بدون توجه به تنظیم اجتماعی یک جامعه ممکن نیست و حرکت سیاسی زن در دیدگاه اسلامی، از حرکت اجتماعی تفکیک‌پذیر نیست. درک نکته اخیر، از مهم‌ترین رهیافت‌های فعالیت سیاسی زن در جامعه اسلامی به شمار می‌آید. شعور و آگاهی، بارزترین شروط مشارکت سیاسی است، چون موجب افزایش فعالیت زن می‌شود. پیوند زنان به مسجد، به‌عنوان محور جامعه اسلامی، موجب افزایش آگاهی‌ها و میزان مشارکت ایشان می‌شود. نتیجه این امر در زمان رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌و آله) ظهور تعداد زیادی صحابی زن بود که برای همگان الگو و نمونه به شمار می‌آمدند. مشارکت زن در عرصه سیاسی که با صلاحیت و میزان آگاهی او مشخص می‌شود، با ساخت و بافت جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، ارتباط دارد؛ زیرا در اکثر جوامع، فعالیت زن تابع عرف و سنت است. این عامل گاه فعالیت سیاسی او را محدود و گاه تسهیل می‌کند. دیدگاه اسلامی عرصه‌های حرکت سیاسی زن در دایره امت را در میان رابطه ایمانی ارزیابی می‌کند اما دیدگاه غربی به این عرصه‌ها در دایره جامعه مدنی و در چارچوب رابطه شهروندی می‌نگرد به عبارت بهتر عمل سیاسی زن در نگاه اسلامی یک امانت و یک تکلیف شرعی است؛ اما در نگاه غربی حقی است که زنان آن را مطالبه می‌کنند و هدفی است که در تحقق آن می‌کوشند و منزلتی اجتماعی است که برای تحصیل آن عمل تلاش می‌شود. این امر وجه تمایز دیدگاه اسلامی از دیدگاه غربی در خصوص عرصه‌های فعالیت سیاسی زن است (بخش رحیمی، ۱۳۸۲).

در همین زمینه، بیعت زنان با پیامبر اکرم (ص) که در آیه ۱۲ سوره ممتحنه آمده دلیل است بر نگاه مثبت قرآن به مشارکت سیاسی زنان:

«یا ایها النبیّ اذا جاءك المؤمنات یتابعنک علی أن لا یشرنن بالله شیئاً و لا یسرقن و لا ینزینن و لا یقتلن أولادهنّ و لا یتینن بیهتان یتفرینہ بین ایدیہنّ و أرجلہنّ و لا یصینن فی معروف فبایعہنّ و استغفرلہنّ اللہ إنّ اللہ غفور رحیم» (ممتحنہ/۱۲). «ای پیامبر، هرگاه زنان مؤمن نزد تو آیند که با تو بیعت کنند بر این شرط که چیزی را با خدا شریک ندانند و دزدی و زنا نکنند و فرزندان خود را نکشند و دروغی را که در دست‌وبال خود ساخته‌وپرداخته باشند پیش‌نیازند و در هیچ کار پسندیده‌ای نافرمانی نکنند، پس با آن‌ها بیعت کن و برای ایشان از خدا آمرزش بخواه که خدا آمرزنده و مهربان است».

در این آیه کریمه خداوند به پیامبر دستور می‌دهد که اگر زنان با ایمان نزد تو برای بیعت و اعلام وفاداری به پیام تو و اطاعت از فرمان تو آمدند، از آنان بیعت بگیر. از آنجاکه (بیعت) در فرهنگ اعراب زمان نزول قرآن به معنای پیمان وفاداری به کسی و اعلام اطاعت و فرمان‌برداری از او بوده است، همانند پدیده (انتخاب) در فرهنگ سیاسی امروز که زمینه مشروعیت سیاسی حکومت و فرمان‌بری مردم از آن را فراهم می‌کند، بنابراین آیه کریمه به صراحت، سهم داشتن زنان را در امری که نقش تعیین‌کننده در سرنوشت سیاسی جامعه و رابطه دوسویه فرماندهی و فرمان‌بری حکومت و مردم دارد تأیید می‌کند و پیامبر را به‌عنوان حاکم و فرمانروای دینی و سیاسی جامعه وادار به پذیرش آن می‌سازد. (حسینی، ۱۳۸۰: ۱۷۲-۱۷۳).

به‌طور کلی باید گفت، مشارکت سیاسی حق همه مردم و انسان‌ها است و مشارکت زنان به این دلیل از اهمیت و ارزش برخوردار است که بی‌عدالتی‌ها و نابرابری‌ها را تقلیل داده و بستری مناسب برای ایجاد توسعه پایدار ایجاد می‌کند. این امر به معنای لزوم برداشتن موانع مشارکت زنان در اشتغال، مدیریت و تصمیم‌گیری جامعه و تضمین بهره‌مندی زنان از حقوق کامل سیاسی است. به‌طور کلی، آمارهای مختلف حاکی از آن است که روند حضور زنان در عرصه‌های سیاست و جامعه که پیش‌از این مردانه تلقی می‌شد، رو به رشد است. این امر زنان را در مقابل با تبعیضاتی چون دسترسی نابرابر به منابع و امکانات، ارتقای شغلی، اعتماد به نفس و کسب هویت مستقل و بهبود وضعیت اجتماعی آنان و در نهایت کل جامعه توانمندتر می‌کند.

۳- مشارکت سیاسی زنان ایرانی

مشارکت سیاسی زنان ایرانی در عرصه‌های سیاسی را می‌توان به دو دوره قبل و بعد از انقلاب اسلامی تقسیم نمود.

۳-۱- قبل از انقلاب اسلامی ایران

مهم‌ترین ویژگی زنان در یک‌صد سال اخیر، این است که زنان در بسیاری از جنبش‌های سیاسی، اجتماعی و حتی جنبش‌های مسلحانه‌ی این دوران شرکت داشته‌اند. این ویژگی موقعیت

آنان را با سده‌های پیش‌ازین متمایز می‌کند. از طرف دیگر، چون ایران در میان کشورهای خاورمیانه پیش‌تاز تحول بوده تا حدی که بعضی از مورخان، انقلاب هندوستان و یا انقلاب اکتبر روسیه را هم متأثر از تحولات ایران و انقلاب مشروطه می‌دانند، به همین دلیل می‌توان گفت: همان‌گونه که ایران در خاورمیانه، پیشگام مدرنیزاسیون و تحول خواهی بوده، زنان ایرانی نیز نسبت به زنان خاورمیانه در جنبش‌های سیاسی اجتماعی پیش‌تاز بوده‌اند.

وضعیت زنان در ایران عهد قاجار همانند عهد صفوی بود. نظام فئودالی و عرف جامعه انزوای زنان را به‌گونه‌ای تشدید کرده بود که در کلیه سطوح اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه جز حضور مردان را شاهد نیست. با این اوصاف، وقایعی که در سطح جهان به وقوع پیوست به تدریج این انزوا را کمرنگ کرد و شکل‌گیری مدارس دخترانه و حضور زنان در وقایعی مثل قرارداد رژی، نهضت مشروطه، انجمن‌های سیاسی سری را سبب شد. در همین دوران، یکی از حوادث مهم که زمینه حضور زنان را فراهم کرد، واقعه تنباکو بود. تهدید میرزای آشتیانی برای ترک کشور یا کشیدن قلیان در مکان‌های عمومی توسط شاه و حمایت هزاران تن از زنان و تلاش برای بستن بازار، نمونه کوچکی از مشارکت بانوان در حوادث تاریخی آن زمان است (فوران، ۱۳۹۲: ۲۵۱).

محور تحولات اجتماعی ایران عصر قاجار، انقلاب توده‌ای ۱۲۸۵ شمسی بود که به انقلاب یا نهضت مشروطیت شناخته شده است. حضور زنان در اغلب رویدادهای کلیدی مشروطیت از جمله بست نشینی (۱۲۸۴-۱۲۸۵) تظاهرات تبریز که منجر به ابقای مشروطیت شد و مقاومت آذر و دی ۱۲۹۰ ثبت شده است. فروش جواهرات به‌قصد ایجاد بانک ملی، ایراد سخنرانی‌های آتشین، حمایت از نمایندگان در برابر تهدیدات روسیه و جنگیدن در کنار داوطلبان مبارز از جمله فعالیت‌های آنان به نفع مشروطه بود (فوران، ۱۳۹۲: ۲۵۹-۲۴۹). به‌عنوان نمونه می‌توان به بی‌بی مریم بختیاری ملقب به سردار مریم بختیاری اشاره کرد. او از زنان تحصیل‌کرده و روشنفکر عصر بود که به طرفداری از آزادیخواهان برخاست و در این راه از هیچ چیز دریغ نورزید. وی به‌مثابه زندگی ایللیاتی در فنون تیراندازی و سوارکاری ماهر بود و چون همسر و جانشین خان بود عده‌ای سوار در اختیار داشت و در مواقع ضروری به یاری مشروطه‌خواهان می‌شتافت. سردار بی‌بی مریم بختیاری، یکی از مشوقان اصلی سردار اسعد بختیاری جهت فتح تهران محسوب می‌شد. وی طی نامه‌ها و تلگراف‌های مختلف بین سران ایل و سخنرانی‌های مهیج و گیرا، افراد ایل را جهت مبارزه با استبداد صغیر (استبداد محمدعلی شاهی) آماده می‌کرد و به‌عنوان یکی از شخصیت‌های ضد استعماری و استبدادی عصر قاجار مطرح بوده است. قدرت سردار مریم در منطقه به حدی بود که روس‌ها به‌هنگام فتح اصفهان خصمانه به منزل او تاختند و اثاثیه او را به یغما بردند و کلیه اموال و املاک او را در اصفهان مصادره کردند (دانشور علوی، ۱۳۷۷: ۱۷۹).

زنان به‌رغم همه مشارکت و حضوری که در فرایند پیروزی انقلاب مشروطه ایفا کردند و به‌رغم

علایق به شرکت در تشکل‌ها و آینده سیاسی جامعه‌شان مطابق با ماده ۴ نظام‌نامه انتخابات مصوب ۱۷ شهریور ۱۳۸۵ قانون مشروطه از داشتن مشارکت محروم شدند (ناجی راد، ۱۳۸۲: ۲۴۶-۲۲۹). در واقع، زنان در کنار اشخاص ذیل از انتخاب کردن به‌طور مطلق محروم شدند:

۱. زنان؛
۲. کسانی که خارج از رشد و تحت قیمومیت شرعی هستند؛
۳. اشخاصی که خروجشان از دین حنیف اسلام در حضور یکی از احکام شرع جامع‌الشرایط به ثبوت رسیده باشد؛
۴. ورشکستگان به تقصیر؛
۵. متکدیان و کسانی که به وسایل بی‌شرفانه تحصیل معاش می‌کنند؛
۶. مرتکبین قتل و سرقت و سایر مقصرینی که مستوجب حدود قانونی اسلامی شده‌اند (کار، ۱۳۷۹: ۲۰-۲۱).

بدین ترتیب زنان در ردیف افراد نابالغ، مرتد، متکدیان، قاتلان، سارقان و ... قرار داده شدند تا تحت لوای چنین قوانین زن ستیزانه‌ای فرصتی برای طرح حقوق فردی و اجتماعی خود نداشته باشند و در حاشیه تحولات اجتماعی به عناصری راکد و ایستا بدل شوند. با این وجود، هرچند انقلاب مشروطه در ایجاد و استقرار یک نظام سیاسی مردم‌سالار تا حدودی ناموفق بود اما در این دوران بود که زنان ایران در مناطق مختلفی همچون آذربایجان، گیلان، قزوین، اصفهان، تهران و ... با تشکیل انجمن‌های سری و ناسری هم دوش مردان به مبارزه با استبداد قاجاریه پرداختند (رضوی الهاشم، ۱۳۸۸: ۶۵).

اگرچه مشارکت در امور سیاسی برای زنان از اوایل قرن بیستم و با تأخیری ۱۰۰ ساله با مردان آغاز شد؛ اما در ایران سال ۱۳۴۲ به دنبال برنامه اصلاحات انقلاب سفید حق رأی به زنان تفویض شد. در همین سال، در میان نمایندگان مجلس شورای ملی از بین ۱۹۷ نماینده ۶ زن وجود داشت. در سال ۱۳۵۰ از ۲۷۰ نماینده ۲ نفر زن بودند. به‌طور کلی در دوران ۵۷ ساله حکومت پهلوی نیز تقابلی سنت و مدرنیته به اوج خود رسیده بود و کشور در حال گذار به علت ماهیت وابسته‌اش به غرب سعی می‌کرد تا عناصر وارداتی مدرنیته را بدون در نظر گرفتن شرایط ویژه‌ی فرهنگی و مذهبی جامعه به‌عنوان الگوی مقبول و متداول معرفی کند (رضوی الهاشم، ۱۳۸۸: ۶۵).

در دوران پهلوی از زنان به‌عنوان عناصر نوگرایی استفاده می‌کرد؛ کشف حجاب یک نمونه بارز آن بود. در واقع، در این دوره، از زنان برای نماد نوگرایی نظام استفاده شد. شایان‌ذکر است که در ابتدای فعالیت‌های زنان همواره سعی می‌شد که رنگ و بوی مذهبی آن حفظ شود، به‌طوری که در سرلوحه اساسنامه اولین جمعیت زنان ایران، یعنی نسوان وطنخواه، تأکید بر حفظ شعائر و قوانین اسلام بود؛ اما در دوران بعد، با دخالت نظام سیاسی این تحولات تحمیلی شد و انجمن‌های زنانه با

دربار مرتبط بود. همان طور که زندگی زن و تحولات اجتماعی و فرهنگی در زمان قاجار نمی‌تواند دور از تعارضات امپریالیسم روسیه و انگلستان بررسی شود، در دوران پهلوی نیز نمی‌تواند دور از روابط خارجی نظام اقتصاد سرمایه داری و سرگشتگی بین سه عنصر هویت ملی(اسلام، ملی‌گرایی و غرب‌گرایی) تحلیل گردد. در واقع، زن در مرز این ارزش‌ها قرار داشت.

اگرچه در حکومت پهلوی حق رأی به زنان اعطا شد و در پی آن، تعدادی به نمایندگی مجلس انتخاب شدند و گروهی نیز به مقام‌های بالا از جمله وزارت هم رسیدند اما بیشترین مشاغل، خاص گروه‌های بالا اجتماع بود. مشارکت در سطح توده هیچ‌گاه به معنای واقعی اتفاق نیفتاد. بین دو الگوی زن مدرن غرب‌گرا و زن سنتی با چادر یک قشر بینابینی تشکیل شد که غرب‌گرایی را نمی‌خواست، ولی در عین حال، تحصیل کرده بود و اشتغال داشت. این قشر جدید کاملاً سیاسی بودند، احساسات ضد غربی داشت و فرایند نوگرایی به شکل زمان شاه را امپریالیستی می‌دانست. مبارزه علیه زن غرب زده بخشی از مبارزه آن بود. این قشر نیز به خیل طرفداران انقلاب اسلامی پیوست. در کنار آن، بسیاری از زنان تحصیل کرده غرب که تأثیر استثمار غرب را تجربه کرده بودند نیز جای گرفتند. همه عوامل منجر به سیاسی شدن توده عظیمی از زنان شد که محیط مناسبی را برای شرکت زنان در فرایند انقلاب اسلامی فراهم کرد.

۳-۲- زنان و انقلاب اسلامی (شکل‌گیری، تداوم و تثبیت)

انقلاب اسلامی ایران ویژگی‌هایی دارد که در مجموع این انقلاب را در میان همه انقلاب‌های جهان بی‌نظیر و بی‌رقیب ساخته است. یکی از آن ویژگی‌ها، قطعاً ذی‌سهم‌بودن بانوان است (مطهری، ۱۳۷۶: ۳۴). با روشن شدن اولین شعله‌های انقلاب که زمینه‌های آن در راهپیمایی‌ها و تظاهرات و فعالیت‌های سیاسی سال ۱۳۵۷ شکل گرفته بود، زن ایرانی که قبل از آن تنها ایفاگر نقشی بسیار ساده و ناقص بود، حصار بی‌بندوباری را در هم شکست و پای به میدان علم و عمل گذاشت و سیاست‌های فرهنگ‌استعماری را که موجودیت او را نادیده گرفته بود، زیر پا گذاشت. زنان در تاریخ انقلاب اسلامی ایران همواره به‌منزله بازوان توانمند انقلاب و برانگیزاننده شعله‌های فروزان آن به شمار آمده‌اند و نقش آنان در انقلاب اسلامی بسیار عظیم تلقی شده است؛ این نقش برجسته را می‌توانیم به‌خوبی در بیانات گهربار حضرت امام خمینی(ره) مشاهده کنیم. ایشان با تجلیل مکرر از نقش بارز زنان در پیروزی انقلاب اسلامی فرمودند:

«در مسئله تنباکو پیش‌قدم بودند، در مسئله مشروطیت پیش‌قدم بوده‌اند و بحمدالله زن‌ها در این جمهوری اسلامی چنانچه در همه مسائلی که عمومی پیش آمده است، برای ایران پیش‌قدم بوده‌اند.» (صحیفه نور امام خمینی، ج ۱۹: ۲۷۸).

«در مملکت ما این‌طور شد که بانوان همدوش بلکه جلوتر از مردها از خانه‌ها بیرون آمدند و

در این راه اسلامی زحمت کشیدند و رنج دیدند، جوان دادند، شوهر دادند، برادر دادند، معذک رنج کشیدند، عمل کردند، پشتیبانی از اسلام کردند و مردها هم به تبع زن‌ها این کار را کردند.» (صحیفه نور امام خمینی، ج ۱۱: ۱۶۲).

«زن‌های محترم متعهد ایران پیشاپیش مردان به میدان رفتند و سد عظیم شاهنشاهی را در هم شکستند و ما و همه مرهون قیام و اقدام آنان هستیم.» (صحیفه نور امام خمینی، ج ۱۲: ۷۳).

بنابراین، در لابه‌لای گفته‌ها و نوشته‌های امام خمینی در دوران مبارزه و دو دهه اول انقلاب، به موارد بسیاری برمی‌خوریم که حاکی از نظر مساعد ایشان نسبت به مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان است. پس از پیروزی انقلاب نیز ایشان طی سخنانی که به مناسبت‌های گوناگون ایراد فرموده‌اند، سهم چشمگیر زنان در پیروزی انقلاب اسلامی و دوران جنگ و نیز لزوم مشارکت اجتماعی زنان در جامعه اسلامی را مورد تصریح قرار داده‌اند.

زنان در انقلاب با حفظ اصول و موازین اسلامی از هیچ‌گونه فداکاری در راه به‌ثمررساندن انقلاب خودداری نکردند. آن‌ها پایه‌پای مردان در تظاهرات میلیونی تاسوعا و عاشورا و... شرکت کردند، شهید دادند و محرومیت‌ها را تحمل نمودند. به‌عنوان مثال در فاجعه هفدهم شهریور که نقطه عطفی در انقلاب به شمار می‌آید، به استناد نقل‌ها و فیلم‌ها، زنان بیشتر از مردان شهید دادند. در آن واقعه زنان در میان شهدا نشستند و از سوی نیروهای رژیم ظالمانه مورد رگبار قرار گرفتند (مطهری، ۱۳۷۶: ۵۱).

زن ایرانی با ظهور انقلاب اسلامی تحول یافت و تحول آفرید؛ هر روز به‌سوی رشد و کمال تازه‌ای راه یافت و در کوره انقلاب آبدیده و استوار شد. زنان مسلمان و متعهد کشورمان برای پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی در صحنه‌های سیاسی - اجتماعی، بسیار فعال و سازنده قدم برداشتند و حرکت‌های اجتماعی عظیمی با مشارکت آنان شکل گرفت. اندکی پس از اضمحلال حکومت پهلوی و استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران، امریکا که پایگاه عظیم سیاسی، اقتصادی و نظامی خود را از دست داده بود، درصدد برآمد تا دوباره ردپایی برای خود در ایران اسلامی بیابد و به همین دلیل جنگ علیه ایران را با تحریک رژیم بعث عراق برانگیخت. در آن شرایط، تنها نوزده ماه از حاکمیت نظام نوپای جمهوری اسلامی می‌گذشت. تحولات و دگرگونی‌های عظیم ناشی از انقلاب، تغییر در سیستم اجتماعی - نظامی کشور و سایر عوامل درونی موجب شده بودند نظام اسلامی هنوز از قوام، ثبات، قوت و قدرت سیاسی - نظامی کافی بی‌بهره باشد. در چنین شرایطی بود که شهرها و مرزهای ایران به‌طور گسترده مورد تهاجم و تجاوز دشمن قرار گرفت.

با آغاز جنگ تحمیلی فصل دیگری از حیات و حضور زنان آغاز گردید. زنان چون کوهی استوار در برابر مصائب، شداید و پیامدهای جنگ مقاومت نمودند و علی‌رغم دشواری‌های فراوان و توطئه‌های بسیار استکبار برای خارج نمودن زنان از میدان سیاسی اجتماعی، از عزت، شرف و منزلت کشورشان

دفاع کردند. زنان مسلمان ایران در هنگام جنگ، با ساختن سنگرهای دفاعی، حضور در مساجد برای فراگیری آموزش‌های نظامی، شرکت در مراکز پشتیبانی و تدارکات، خدمات رسانی به نیروهای رزمی، تشویق و ترغیب فرزندان، همسران، پدران و برادرانشان برای شرکت در میدان جنگ و حتی حضور مستقیم در برخی جبهه‌های شهری و...، دفاع قهرمانانه‌شان را به منصفه ظهور رساندند و رسالت و اصالت خود را به جهانیان نشان دادند. فرزندان‌شان که به هنگام خردسالی در آغوش پرمهر این مادران در صف تظاهرات شرکت می‌کردند و شاهد حق‌طلبی آنان بودند، در زمان جنگ به مردانی با صداقت و خلوص نیت تبدیل شدند و حماسه‌آفرینی در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل را بر عهده گرفتند. در ادامه با پایان جنگ و خروج مقتدرانه و موفقیت‌آمیز انقلاب اسلامی از یک تجاوز و بحران خارجی، زنان به‌مانند دوران انقلاب و دفاع مقدس به فعالیت خود در تمام عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ادامه دادند و عهده‌دار نقش‌های جدیدی در ج.ا. ایران جهت تداوم و تثبیت انقلاب اسلامی شدند که همچنان نیز ادامه دارد و پیش‌بینی می‌شود مشارکت سیاسی زنان به شکل مطلوب‌تری در تثبیت و تداوم انقلاب اسلامی همچنان ادامه پیدا کند.

۴- الگوهای مشارکت زنان در انقلاب اسلامی

به طور کلی و در اثبات فرضیه این مقاله باید گفت زنان در قالب سه الگوی مشارکت سنتی، مشارکت بسیج‌وار و مشارکت مدرن، در فرایند شکل‌گیری، تداوم و تثبیت انقلاب اسلامی نقش‌آفرینی کرده‌اند که در ادامه چگونگی آن‌ها را توضیح خواهیم داد.

۴-۱- مشارکت سنتی

در طول تاریخ و در فرایند شکل‌گیری جوامع مختلف در غرب و شرق، زنان همواره نقش، وظایف و کارکردهای مشخص و گاه‌ها مشابهی داشته‌اند که در شکل‌گیری انقلاب اسلامی و تداوم آن نیز می‌توانیم به خوبی مشاهده کنیم. این نقش و کارکرد پراهمیت و حیاتی زنان که می‌توان آن را مشارکت سنتی زنان یا مشارکت غیرمستقیم نامید در انقلاب اسلامی نیز به خوبی متبلور شد که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود.

۱. تأثیری که زنان روی شوهران، فرزندان، پدران و برادرانشان داشتند را می‌توان به‌عنوان نخستین و مهم‌ترین عنصر از مشارکت سنتی یا غیرمستقیم زنان در انقلاب اسلامی تلقی کرد؛ مرد الهام‌گیر از زن است و اگر در یک جریان اجتماعی زنان هماهنگی نداشته باشند، از تأثیر مرد هم فوق‌العاده کاسته می‌شود؛ به همین نسبت اگر زنان نقش موافق و احساسات موافق داشته باشند، نیروی مرد نیز چند برابر می‌شود و زنان نیروی محرکی برای مردان به شمار می‌رود. زنان در طول تاریخ نه تنها مولد و زاینده مردان و پرورش‌دهنده جسم آن‌ها، بلکه الهام‌بخش، نیرو دهنده و مکمل

مردانگی آنان نیز بوده‌اند. از این رو شرکت بانوان در حوادث انقلاب باعث تقویت شهامت و جرئت جوانان گردید و حرکت انقلاب را تندتر و شدیدتر کرد. نقش زنان در کل از ویژگی‌های خاصی برخوردار است. صلاح و فساد کل جامعه از صلاح و فساد زنان سرچشمه می‌گیرد. زن یکتا موجودی است که می‌تواند از دامن خود افرادی به جامعه تحویل دهد که از برکاتشان نه یک جامعه بلکه جوامع به استقامت و ارزش‌های والای انسانی کشیده شوند — البته عکس آن هم صادق است (صحیفه نور، جلد ۱۶: ص ۱۲۵-۱۲۷).

۲. اهدای کمک‌های مالی نقدی و غیر نقدی؛ اهدای این‌گونه کمک‌ها از سوی زنان که در صدر اسلام و از سوی زنان مسلمانی چون حضرت خدیجه کبری (س) نیز متداول بود در فرایند مبارزات انقلابی و به‌ویژه در دوران جنگ به‌عنوان مرحله مهمی از دوران تثبیت و تداوم انقلاب نیز ما شاهد آن بودیم. به‌طوری‌که یک نشریه خارجی به مسئله جهاد مالی زنان ایرانی به جبهه‌های جنگ می‌پردازد و آن را با کمک‌های مالی زنان عراقی مقایسه می‌کند: «پرزیدنت صدام باآنکه از جانب کشورهای برادر عرب یعنی عربستان و کویت به نحو بزرگ منشانه‌ای از نظر مالی حمایت می‌شود (با این وصف) در ۱۹۸۲ صلاح دید تا از خانم‌های کشورش بخواهد تا زیورآلات خود را به جبهه هدیه کنند. تهران رقیب بزرگ جنگی بغداد نیاز به چنین اقداماتی نداشت، زیرا در ایران به وضوح انگیزه پاداش الهی و اطمینان از این‌که آن‌ها قربانی تهاجم شده‌اند، برای این کار کافی بود... لذا در مقایسه با عراق که به دوستان عرب، طرف‌های تجاری و ارسال‌کنندگان اسلحه حداقل ۵۰ میلیارد بدهکار است و بازم به‌وسیله پول سلاطین نفتی عرب تغذیه می‌شود، ولی تهران تاکنون حساب کتابش باهم می‌خواند. آمار دقیقی از کمک‌های زنان ثروتمند عراقی به رژیم صدام در دوره جنگ در دست نیست ولی این کمک‌ها به‌اندازه‌ای نبوده که رژیم عراق را وادارد از آن تقدیر نماید، در عوض، گاه شاهد بوده‌ایم که زنان عراقی به‌جای کمک به سربازان عراقی کمک مالی خود را به ایران داده‌اند تا به مصرف رزمندگان ایرانی برسد، گاه این کمک‌ها به‌اندازه‌ای بود که تقدیر امام خمینی (ره) را به دنبال داشت که تقدیر ۲۸ آذر ۱۳۶۶ یکی از آن‌هاست» (سازمان تبلیغات اسلامی: ۱۳۹۴).

۳. اهدای کمک‌های بهداشتی و غذایی در دوران انقلاب و جنگ و شرکت در فعالیت‌های ستاد پشتیبانی جنگ؛ جلوه‌های دیگر مشارکت خواهران و همسران و مادران مسلمان ایرانی در انقلاب اسلامی را باید در تهیه و تدارک اجناس و اقلام غذایی و بهداشتی و درمانی موردنیاز رزمندگان و سربازان دید. زنان در حمایت مادی و لجستیکی از جبهه‌های جنوب و غرب، از جان و مال خود مایه گذاشتند و صحنه به‌یادماندنی و فراموش‌نشده‌ی فراوانی را خلق کردند. آن‌ها برای رزمندگان شال و کلاه بافتند، برای سربازان لباس و ملحفه دوختند، برای سربازان غذای گرم پختند و به درمان مجروحان جنگی می‌پرداختند.

۴. اقدام عملیاتی و حضور مستقیم در صحنه‌های نبرد؛ در دوران مبارزات انقلابی و همچنین دفاع مقدس زنان انقلابی ایران در برخی مواقع حساس و سرنوشت‌ساز در صحنه‌های نبرد حضور مستقیم داشتند که نقش آن‌ها را بیش از پیش برجسته نموده است.

به‌طور کلی باید گفت مدل سنتی از مشارکت زنان انقلابی ایران را می‌توان به‌خوبی در خلال مبارزات انقلابی و در دهه اول انقلاب و به‌ویژه جنگ تحمیلی مشاهده کرد. اهم فعالیت‌های ایشان در زمان دفاع مقدس را به‌طور خلاصه را می‌توان چنین برشمرد: ۱- امداد و پشتیبانی و رساندن وسایل و مهمات به رزمندگان ۲- تهیه دارو و درمان برای مجروحان و نیز پرستاری از آن‌ها ۳- تشویق و تهییج مجاهدان ۴- به دست گرفتن سلاح و نبرد مستقیم با دشمن (نیکخواه، ۱۳۷۴: ۱۸۰-۱۸۱).

۴-۲- مشارکت بسیج وار

مشارکت بسیج وار زنان در انقلاب اسلامی را باید مشارکتی مابین مشارکت سنتی و مدرن دانست و خصیصه ویژه آن، جمعی بودن و خودجوش بودن مشارکت زنان است که سابقه آن به سال‌های بسیار دور برمی‌گردد و نمودهای بارز آن را می‌توان در موارد ذیل نام برد:

۱. شرکت در راهپیمایی‌ها، تظاهرات و شورش‌های متعدد؛ همانند شورش زنان در نهضت تنباکو و اجتماع زنان در سر راه ناصرالدین شاه در جریان گرانی نان و مظفرالدین شاه در جریان مهاجرت علما به قم و همچنین اجتماع آنان مقابل مجلس در تهدید روس علیه ایران (زمان مشروطه دوم)؛ این نمونه از مشارکت بسیج وار زنان را بیش از هر زمان دیگری در مرحله پیروزی انقلاب اسلامی می‌توانیم مشاهده کنیم. در واقع از آنجایی که پیام نهضت امام خمینی (ره) برای تمامی گروه‌ها و اقشار مختلف مردم جذابیت داشت، در این بین زنان نیز چون مردان در حمایت از امام در صف مبارزه با استکبار قرار گرفته و با شرکت در تظاهرات ضد شاهی خواستار برقراری رژیم مردمی با ساختار و کالبدی اسلامی شدند.

۲. شرکت و حضور در راهپیمایی‌های مناسبتی و ادواری انقلابی بعد از پیروزی انقلاب که بدون شک نقش برجسته‌ای در تداوم انقلاب اسلامی و تحقق شعارهای آن داشته است؛ مانند راهپیمایی‌های مربوط به سالگرد انقلاب، روز جمهوری اسلامی ایران، روز قدس و مانند آن. همه ساله خبرنگاران زیادی از کشورهای مختلف جهان برای ارائه گزارش از راهپیمایی‌های ملی به تهران می‌آیند. یکی از صحنه‌های قابل توجه در این راهپیمایی‌ها مشارکت طیف‌های مختلف فکری زنان، اعم از سنت‌گرا و مدرن در دعوت رهبران دینی، سیاسی و اجتماعی از مردم است. نحوه پاسخ مردم به این دعوت‌ها به لحاظ تحلیل جامعه‌شناختی بسیار مهم و قابل تأمل است. مردم در طی سی‌وشش سال گذشته، شرکت در انتخابات و راهپیمایی‌ها را، صرف نظر از طیف سیاسی و جناحی کاندیداها، رأی به نظام و شرکت در یک فرآیند عمومی تلقی کرده و حضور خود را یک حضور فرآیند

رأی به جمهوری اسلامی می‌دانند.

۳. شرکت و فعالیت در سازمان‌های مردمی مانند بسیج مستضعفین که نقش مهمی در تثبیت و تداوم انقلاب اسلامی داشته است.

۴. شرکت و حضور گسترده در رفراندوم‌ها، انتخابات و استفاده از حق رأی به‌طور کلی، زنان انقلابی ایران اسلامی با مشارکت بسیج وار خود نقش ارزنده‌ای در حفظ شعارها، اصول و ارزش‌های انقلابی و در نهایت تداوم و تثبیت انقلاب اسلامی داشته‌اند. این نوع از مشارکت زنان انقلابی هر ساله و در مناسبت‌های مختلف تبلور می‌یابد.

۴-۳- مشارکت مدرن

مشارکت زنان در فرایند شکل‌گیری، تداوم و تثبیت انقلاب اسلامی تنها منحصر در مشارکت سنتی و بسیج وار نبود و مشارکت مدرن را می‌توان الگویی دیگر از مشارکت دانست که بعد پیروزی انقلاب اسلامی برای تمامی زنان اعم از طبقات پایین و بالای جامعه فراهم شد. جلوه‌های این مدل از مشارکت زنان در انقلاب اسلامی را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

۱. حضور فعال در انتخابات؛ این حضور فعال در انتخابات هم برای انتخاب کردن بوده و هم برای انتخاب شدن. در واقع، زنان انقلابی ایران هم بر اساس الگوی مشارکت بسیج وار در انتخابات مختلف حضور گسترده داشته‌اند و هم مطابق با الگوهای مدرن مشارکت زنانه، از حق انتخاب شدن بهره‌مند شده‌اند. حق انتخاب شدنی که در دوران پهلوی تنها منحصر به خانواده اشراف و اعیان بود و طبقات فرودست جامعه از آن محروم بودند؛ اما زنان انقلابی ایران هم بنا به خواست و اراده خود و هم مطابق با شعارها و آرمان‌های نوین انقلاب اسلامی نه تنها حق انتخاب کردن خود را تثبیت کردند بلکه حق انتخاب شدن خود را ایجاد و تثبیت کردند.

۲. شرکت و حضور در قوای مقننه، مجریه و قضاییه و دیگر نهادهای حاکمیتی با تکیه بر شایسته‌گزینی، به‌جای استفاده از پیوندهای خانوادگی. در دهه‌های اخیر بعد از انقلاب اسلامی ایران، علاوه بر افزایش قابل توجه تعداد زنان فعال در سطوح مدیریتی در دستگاه‌های مختلف ملی یا محلی، مشاغل ایجاد شده‌اند که به لحاظ اقتضائات اجتماعی، جنسیتی، اعتقادی و امثال آن، جز زنان قادر به تصدی آن‌ها نیستند. به عنوان نمونه؛ علاوه بر رییس‌جمهور که دارای یک معاون با عنوان معاونت امور زنان است، کلیه دستگاه‌های دولتی در ایران، چه در مدیریت ارشد اجرایی کشور یعنی؛ وزراء و چه در رده‌های میانی مانند؛ استانداران و مدیران دستگاه‌های دولتی، پست رسمی مشاور امور زنان پیش‌بینی شده که لزوماً بانوان متصدی آن پست‌ها می‌باشند و وظیفه آنان توجه ویژه به مطالبات و نیازهای زنان در حوزه وظایف و مأموریت‌های آن دستگاه و حوزه اجرایی است. به‌طور کلی، انتصاب زنان به سمت‌هایی همچون وزارت، سفارت، معاون رییس‌جمهوری، مشاور

رییس جمهوری، مشاوره سیاسی رییس جمهوری، مشاور مطبوعاتی رییس جمهوری، معاون حقوقی و امور مجلس و مشاور در امور زنان در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، انتخاب مشاوران زن در کلیه وزارتخانه‌ها و استانداری‌های سراسر کشور از نشانه‌های مشارکت زنان در سطح بالای تصمیم‌گیری است. روند صعودی درصد داوطلبان و منتخبین زن در انتخابات دوره‌های مختلف مجلس شورای اسلامی گویای افزایش مشارکت زنان در مراکز تصمیم‌گیری و قانون‌گذاری است.

۳. حضور در احزاب و جریانات سیاسی؛ بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز زنان حضور مؤثر و برجسته‌ای در احزاب و جریانات سیاسی داشته‌اند که روزبه‌روز بر کیفیت و کمیت نقش آن‌ها نیز افزوده می‌شود. بدون شک حضور زنان در جریانات و احزاب سیاسی می‌تواند در تداوم و تثبیت انقلاب اسلامی نقش مهمی داشته باشد و مسلماً نتیجه این نقش‌آفرینی زنان توسعه سیاسی هرچه بیشتر جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.

۵- پیشنهادات

- گرچه هم بر اساس مبانی دینی و هم به‌موجب دیدگاه رهبران سیاسی جمهوری اسلامی، حضور و مشارکت زنان در عرصه‌های سیاسی و سطوح تصمیم‌سازی مورد تأکید است و رشد چشمگیر مشارکت زنان ایرانی به شکل‌های مختلف در دهه‌های پس از انقلاب اسلامی، همین رویکرد مثبت و اهتمام جدی را نشان می‌دهد، اما دستاوردهای موجود هنوز کافی به نظر نمی‌رسد. لذا:
- افزایش تعداد زنان در پست‌های مؤثر سیاسی و کرسی‌های مجلس همچنان باید مطرح نظر باشد.
 - ترغیب زنان در جهت تقویت حضورشان در مدیریت ملی به‌جای مدیریت‌های محلی و نیز آشناسازی زنان داوطلب نمایندگی مجلس با شیوه‌های جدی‌تر تبلیغات و تأثیر بیشتر بر رأی‌دهندگان به‌منظور افزایش آرای داوطلبان زن برای ورود به مجلس باید از راهبردهای مهم ما در این زمینه باشد.
 - باید توجه داشت که با افزایش آمار حضور دختران ایرانی در دانشگاه‌ها در سال‌های اخیر حتی بیش از پسران، به‌طور طبیعی مشارکت زنان در آینده انقلاب اسلامی ایران افزایش خواهد یافت و مراکز تصمیم‌سازی، حضور زنان را در عرصه‌های مختلف کشور بیش‌ازپیش تجربه خواهد کرد.
 - این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که از آنجا که زنان ایرانی کاملاً مبتنی بر شاخص‌های فرهنگ دینی و ملی خود، ایفای نقشی مؤثر در خانواده به‌ویژه به‌عنوان مادر را امری مقدس می‌دانند، قرار دادن آن‌ها در موضع انتخاب میان نقش‌های خانوادگی و اجتماعی یک خطای مهم راهبردی است؛ بنابراین یافتن راه‌هایی که بتواند باعث اطمینان زنان از عدم تعارض میان دوگانه خانه و جامعه گردد و ایجاد توازنی که عملاً زنان را به ایفای نقش مؤثر در هر دو بخش موفق

- سازد، در افزایش مشارکت اجتماعی زنان ایرانی بسیار اثربخش خواهد بود.
- سخن آخر آنکه؛ تداوم و توفیق حضور زنان در عرصه قدرت و سیاست، مستلزم توسعه فرهنگ پذیرش و اهتمام به جایگاه زنان در نظام تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و البته انتقال این فرهنگ به نسل بعدی از طریق تربیت مادران است.
 - مادرانی که در عرصه قدرت و سیاست حضوری فعال، بانشاط، عقیفانه و مؤثر دارند، نسل آتی را انسان‌هایی مسئولیت‌پذیر و آگاه به زمان خود می‌پروراندند. لذا حتی برای افزایش حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی، توجهی دوباره و اهتمامی ویژه به مادرانگی و آثار آن ضروری است. چیزی که گاه در مناسبات زندگی مدرن و در روند تأکید بر نقش‌های اجتماعی زنان مورد غفلت قرار می‌گیرد.

نتیجه‌گیری:

کاهش مشارکت زنان پیش از انقلاب به خاطر عدم سازگاری الگوی مشارکت رژیم گذشته با گفتمان دینی اسلام بوده است و در آستانه انقلاب و بعدازآن به خاطر تغییر این الگو و تطابق آن با گفتمان دینی که توسط امام خمینی(س) ارائه شده بود مشارکت زنان خصوصاً مشارکت توده‌ای افزایش یافته است. نتایج به‌دست‌آمده حاکی از آن است که زنان در فرایند شکل‌گیری، تداوم و تثبیت انقلاب اسلامی ایران به سه صورت زیر مشارکت داشته‌اند:

۱. مشارکت سنتی (شامل تشویق مردان به مبارزه و جهاد و کمک‌های مادی، بهداشتی و غذایی به مبارزان انقلابی و رزمندگان)
 ۲. مشارکت بسیج‌وار (شرکت در راهپیمایی‌ها در قبل و بعد از انقلاب اسلامی و همچنین حضور در انتخابات و فراندوم‌ها)
 ۳. مشارکت مدرن (شرکت در انتخابات برای انتخاب کردن و انتخاب شدن، حضور در عرصه‌های مدیریتی و نهادهای حاکمیتی و همچنین حضور در احزاب و تشکل‌های سیاسی)
- در نهایت باید گفت، انقلاب اسلامی و دیدگاه‌های بنیان‌گذار آن، برای توده‌های عظیمی از زنان مسلمان و پاینده به ارزش‌های اسلامی این امکان را فراهم ساخت که با حفظ ارزش‌های دینی و اعتقادی مشارکت جدی در فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی داشته و حجاب را مانع چنین مشارکتی قلمداد نکنند. همچنین، ما شاهد تغییر در الگوی مشارکت زنان بعد از انقلاب بودیم که این الگوی جدید مشارکت زنان از سطح نخبگان و برگزیدگان و اقشار خاص به کل اقشار جامعه خصوصاً طبقات پایین جامعه تعمیم داد که تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ما شاهد آن نبودیم.

منابع:

- قران کریم.
- امام خمینی، صحیفه نور.
- أبرامسون، پل (۱۳۸۳)، **مشارکت سیاسی**، ترجمه نسرين طباطبایی، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه
- بشيريه، حسين (۱۳۸۸)، **موانع توسعه سياسي در ايران**، تهران، انتشارات گام نو.
- بشيريه، حسين (۱۳۸۸)، **جامعه‌شناسی سیاسی**، چاپ سوم، تهران: نشر نی.
- پای، لوسین (۱۳۸۰)، **بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی**، ترجمه غلامرضا خواجه سروی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پناهی، محمدحسین، بنی فاطمه، سمیه السادات (۱۳۹۴)، «فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی زنان»، **فصلنامه علوم اجتماعی**، دوره ۶۸، شماره ۶۸
- حسین بخش رحیمی، فاطمه، (۱۳۸۲)، «مشارکت سیاسی زن»، **مجله شمیم یاس**، شماره ۱۲.
- حسینی، موسی (۱۳۸۰)، «دیدگاه قرآن درباره مشارکت سیاسی زنان»، **مجله پژوهش‌های قرآنی**، شماره ۲۵ و ۲۶.
- دانشور علوی، نورالله (۱۳۷۷). **جنبش وطن پرستان اصفهان و بختیاری**، تهران: آنزان.
- راش، مایکل (۱۳۷۷)، **جامعه و سیاست**، ترجمه منوچهر صبوری کاشانی، تهران، انتشارات سمت.
- رضوی الهاشم، بهزاد (۱۳۸۸)، «تحلیل جایگاه مشارکت زنان در فرایند توسعه سیاسی- اجتماعی انقلاب اسلامی ایران»، **فصلنامه علوم اجتماعی**، شماره ۲۱.
- رمضان نرگسی، رضا (۱۳۸۳)، «تحلیلی از مشارکت سیاسی زنان ایرانی در تاریخ معاصر»، **نشریه معرفت**، شماره ۸۶.
- سازمان تبلیغات اسلامی (۱۳۹۴)، «نقش زنان در پیکار با دشمن در جنگ تحمیلی»، قابل دسترسی در: <http://www.ido.ir/pages/?id=۳۲۱۷۹۰>
- سبیلان اردستانی، حسن (۱۳۹۰)، «نقش رسانه‌ها در فرایند جلب مشارکت سیاسی»، **پژوهشنامه رسانه و مشارکت سیاسی**، شماره ۵.
- علوی تبار، علی‌رضا (۱۳۸۲)، **مشارکت در اداره امور شهرها، بررسی الگو مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها**، جلد اول، چاپ دوم، انتشارات سازمان

شهرداری‌های کشور.

- غفاری، غلامرضا (۱۳۸۶)، **جامعه‌شناسی مشارکت**، تهران، نشر نزدیک.

- فوران، جان (۱۳۹۲)، **مقاومت شکننده**، ترجمه احمد تدین، چ ۱۳، تهران: رسا.

- کار، مهرانگیز (۱۳۸۰)، **مشارکت سیاسی زنان: موانع و امکانات**، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.

- مسعود نیا، حسین، نظری، مینا، محمدی فر، نجات (۱۳۹۲)، «مطالعه تطبیقی حضور زن در قوه مقننه: تحولات بعد از انقلاب اسلامی ایران»، **نشریه زن در توسعه و سیاست**، دوره ۱۱، شماره ۴.

- مصفا، نسرين (۱۳۷۵)، «**مشارکت سیاسی زنان در ایران**»، تهران: وزارت امور خارجه.

- مطهری، مرتضی (۱۳۷۴)، **پیرامون جمهوری اسلامی**، قم: صدرا.

- ناجی راد، محمدعلی (۱۳۸۲)، **موانع مشارکت سیاسی زنان در فعالیت‌های سیاسی-اقتصادی پس از انقلاب**، تهران: نشر کویر.

- نیکخواه، محمدباقر (۱۳۷۴)، «بررسی حضور زنان در جنگ‌های صدر اسلام و مشارکت و نقش زنان در هشت سال دفاع مقدس»، **مجموعه مقالات و سخنرانی‌های اولین**

سمینار زن و دفاع مقدس، کمیسیون امور بانوان استان خوزستان، اهواز: بی‌نا.

- یاری، ولی (۱۳۸۶)، **جهان و تأملات فیلسوف: گزیده‌هایی از نوشته‌های آرتور شوپنهاور**، تهران: نشر مرکز.

- Norris, Pippa (۲۰۰۱). **Count Every Voice: Democratic Participation Worldwide**. Manuscript available from: <http://www.pippanorris.com> (March ۱۳).